

'ارباب ناگفته ها'

مترجم:

Darling

ویراستار:

F_S_S12

تایپست

وکلینز:

لاکس

کاری از تیم:

'Flaxen Guys'

 Flaxen_guys

 Flaxen_guys

 Flaxenguys

LORD of the MYSTERIES

چپتر 21

نویسنده: Cuttlefish That Loves Diving

طراح: ۷

تهیه کننده: Nekowalker



پاک کارانه
پاک کارانه

اگه همیشه فودمو
زیر ذره بین شبگردا نگه دارم
... باید فطر لو رفتن راز تناسفم
و هویت مخفییم، «اممق»
رو به جون بفرم...

... اصلا ریسک
کوچیکی نیست.



اگه مزایای دوره‌می‌ها
رو در نظر بگیرم... اگه به
شبگردا ملمق بشم،

هدفم تماماً
این می‌شه که یه
پیشرو بشم.



ولی شبگرد سازمان
سفت‌گیریه. وقتی مأموریتی
به‌م داده بشه، نمی‌تونم
ردش کنم.

متی کارمندای غیرنظامی
هم محدودیت‌هایی دارن، اونا
نمی‌تونن هر جا که می‌خوان
برن و...



پیشروها ممکنه
هر لحظه کنترلشون رو
از دست بدن.

ولی...



اگه اتفاق عجیب
دیگه‌ای برام بیفته، فقط
با پیوستن به شبگردا و پیشرو
شدن می‌تونم از شرش
فلاص بشم.

بفاطر دورهمی‌ها تهیه
فرمول معجون‌ها مشکل بزرگی
نیست، ولی جمع کردن موادش
ممکنه برام دردسر درست کنه. من
پولی واسه فریدنشون ندارم و اگه
خودم شفاً واسه به دست
آوردنشون برم ممکنه که
هویتم فاش بشه...

همینطور، اگه به
شبگردا ملحق شم، می‌تونم
اطلاعات مخفی پیشروها رو گیر بیارم.
این اطلاعات می‌تونن بهم کمک کنن
تا از "دورهمی‌ها" حداکثر سود ممکن
رو ببرم، تازه خودمم پول
به جیب می‌زنم...

یه فراری آماتور تو
میات و میش مخفی می شه،
یه فراری باتجربه داخل شهر و
یه فراری فبره تو ماکمه‌ی
خودش...



هویت شبگرد
امتملاً بهترین جا برای
من می شه تا پنهان شم
و در امان بمونم.



البته می‌تونم به
یکی از سازمان‌های مخفی
کلیساهای مهم محلق بشم و از
طریق اونا پیشرو بشم، ولی با این
کار آزادیم رو از دست می‌دم
و فطرش هم بیشتره.



علاوه بر این،
من حتی نمی‌دونم کجا
می‌تونم اونا رو پیدا
کنم...



ΛΕΥΘΟΚΗ ΡΕΒΕΡΑ

همچنین کارمند
غیرنظامی شدن به پوشش
برام درست می‌کنه و شکت‌ها رو
ازم دور می‌کنه و بازم می‌تونم
از کارم استعفا بدم!

بار همینجاس...

وقتی تو آینده یکی از
مقامات عالی دادگاه عدم، کی
می‌تونه حدس بزنه که من رهبر
بی‌خدای به سازمان مخفیم
که پشت صحنه کار
می‌کنه؟

اممم...



جدیدی؟ واسه به
لیوان آبجو چاودار به پنی، آبجو
انمات دو پنی، آبجو ویل جنوبی چهار
پنی. یا اگه دوست داری به لیوان
مالت تخمیرشده خالص
بیارم؟

من او مدم آقای
رایت رو ببینم.



رئیس،
یکی با شما کار
داره!





هعی، پسر،



دنبال من می‌گردی؟



آقای رایت،
می‌خواهم واسه یه
مأموریت، یه تیم کوچیک
مزدور استخدام
کنم.

کی بہت گفتہ
واسہ ہمچین کاری
بیای اینجا؟



دان اسمیت.



ها ها
ها ها
ها ها
ها ها

فهمیدم، تیمای کوچیک
مزدور هنوز هم هستن. هر چند
این روزا یکم متفاوت کار می کنن و
جور دیگه ای خودشونو صدا می کنن.
طوری که بیشتر مناسب
جامعه مدرنه.



می تونی اونا
رو تو خیابون زوتلند،
ساختمان ۳۶، طبقه ی
دوم پیدا کنی.

ممنون.

...۳۰

...۳۲

...۳۴

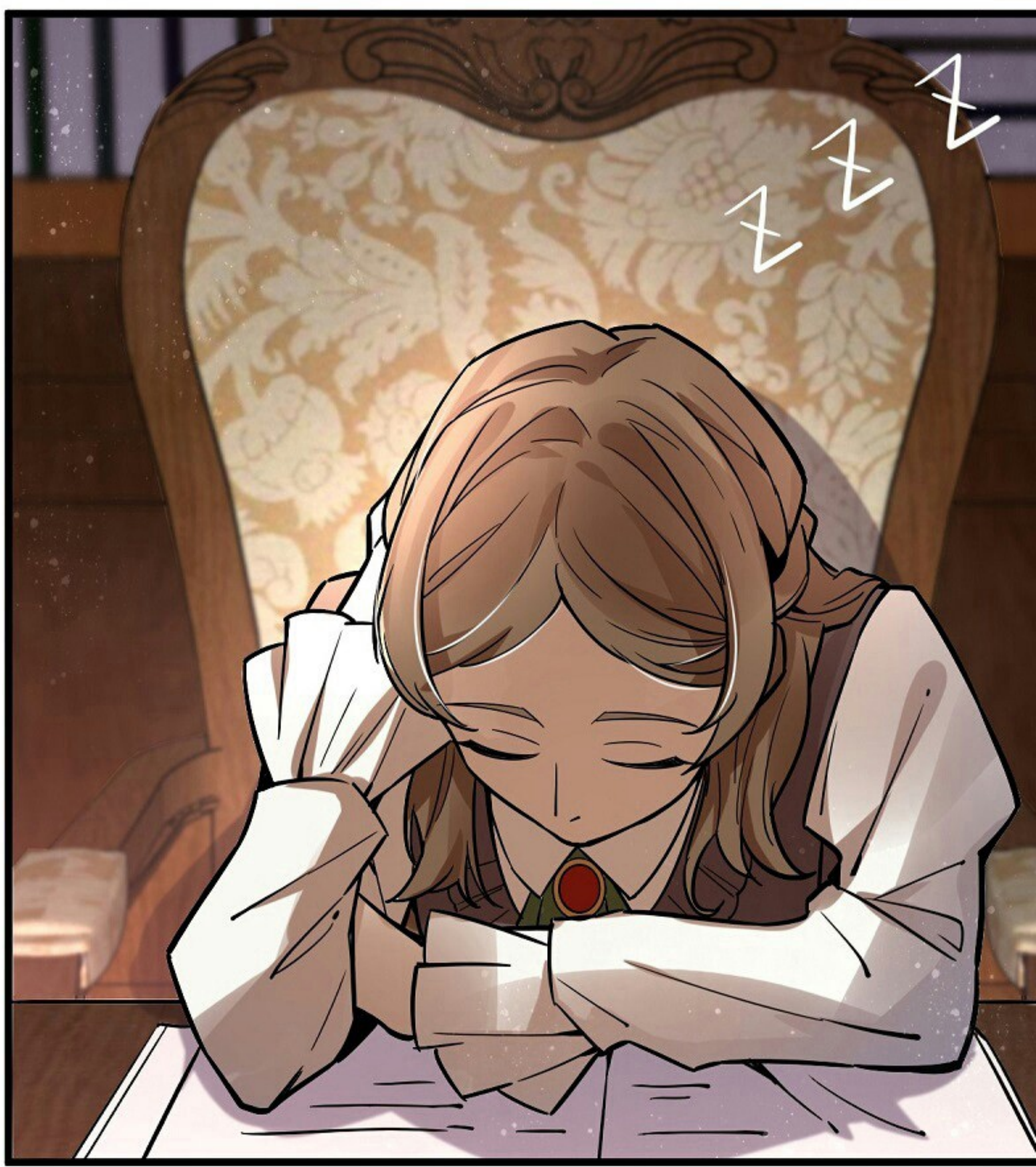
... اینجاس!







؟agl



حتی اگه همه چیز این
"شرکت امنیتی" فقط یه پوشش
باشه... بازم یکم "ناایمانه"
نیست؟

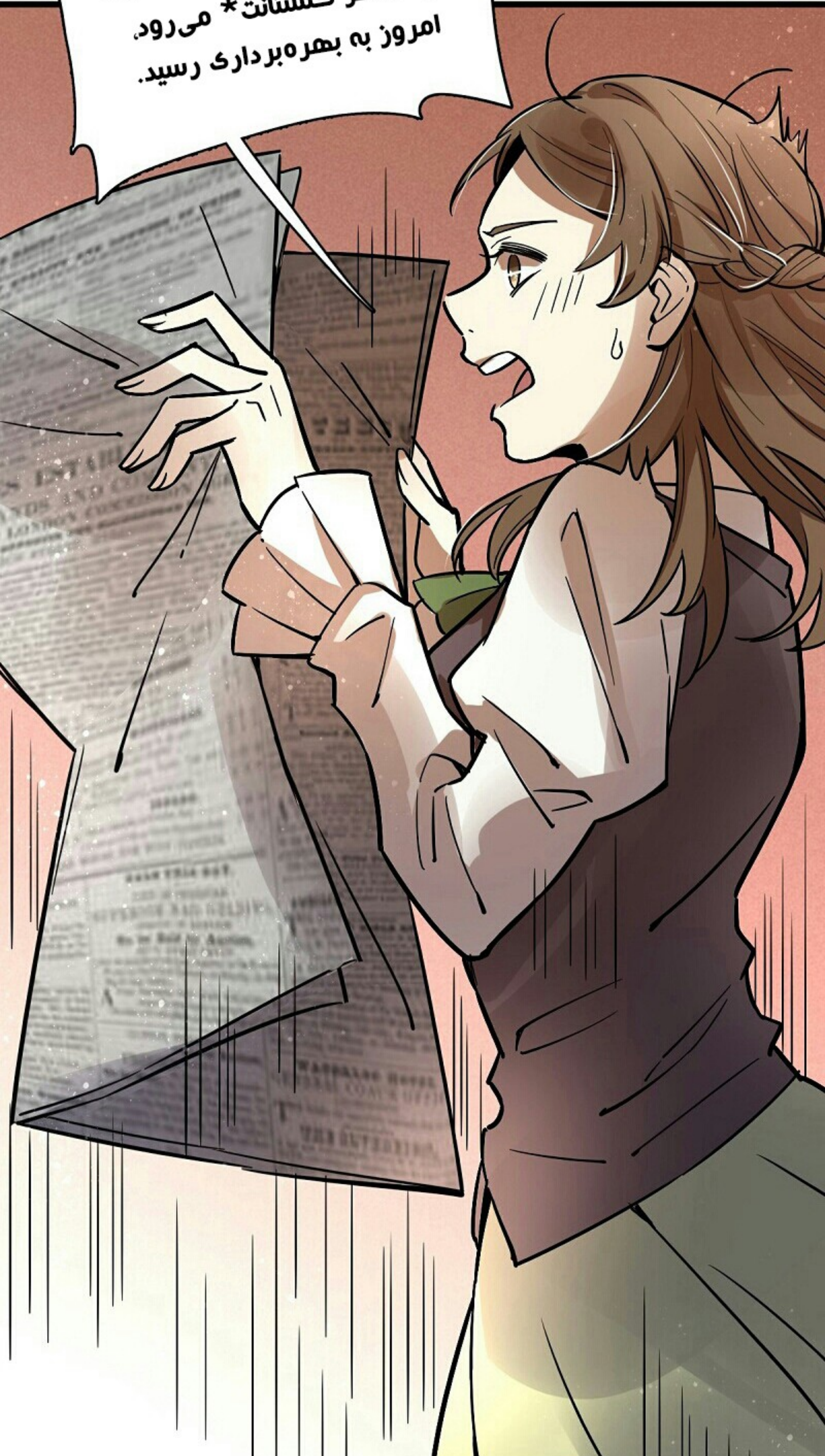


چند وقته که اینجا
مستری نداخته؟ درسته، اونا
به هر حال واقعاً نیازی
به کار ندارن...



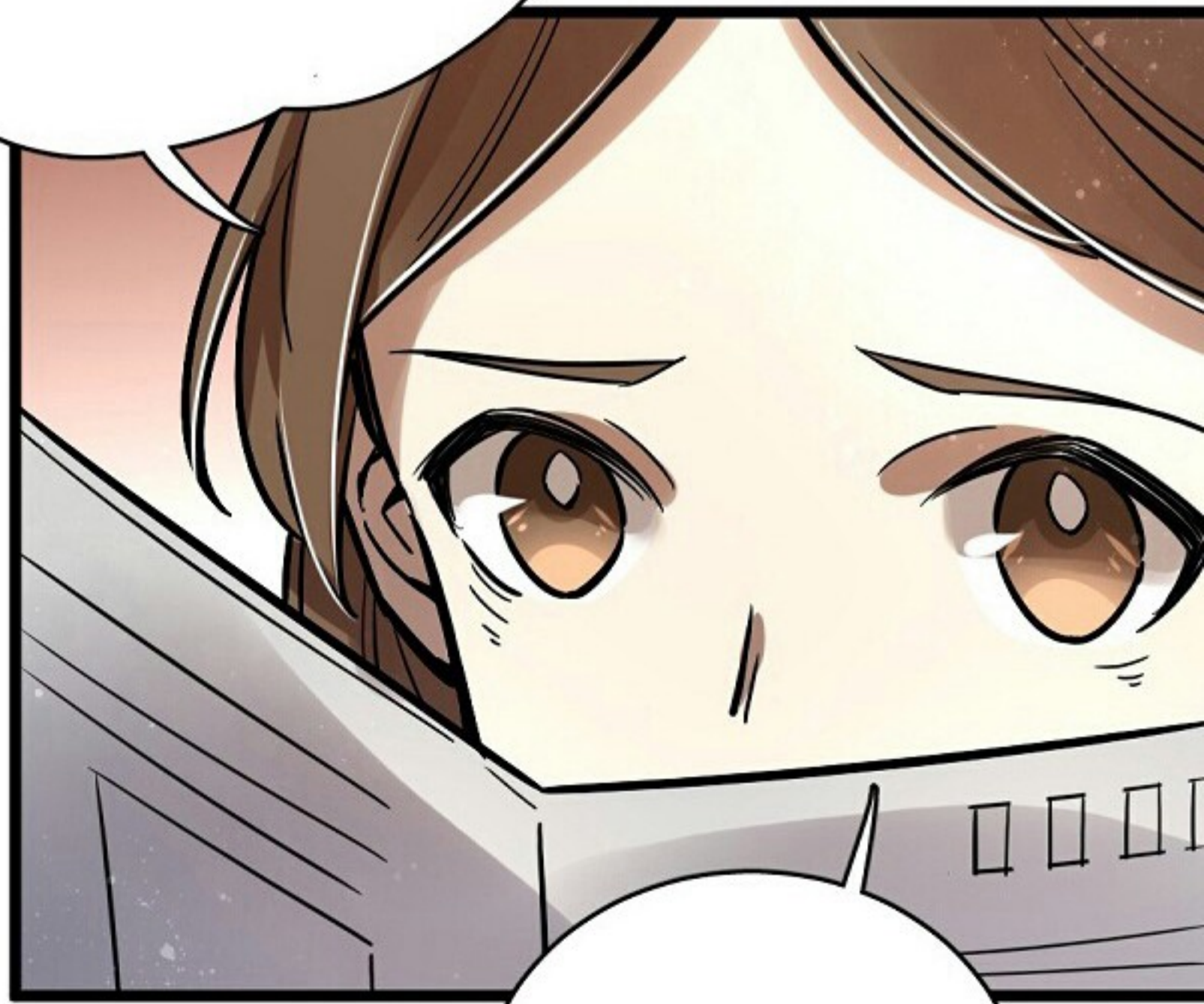
قطار بخار "پرواز" که مستقیماً
به شهر کنستانت* میرود،
امروز به بهره‌برداری رسید.

*Constant



اوه، واقعاً کہ... کی قراره
بالاخره یه قطار افتتاح کنن
که مستقیماً به خلیج دسی *بره؟
دیگه نمی‌خوام با قایق برم اونجا.
ناراحت کننده‌ست، خیلی
ناراحت کننده...

*Desi



اه؟ شما کی
هستین؟

سلام.
اسم من کلاین
مورتیه.



به خاطر دعوت
آقای دان اسمیت
اینجام.

